شرح حکیمانه رهبر معظم انقلاب بر فرازهایی از نهج البلاغه

شماره ۴۱

ضرورت برخورد سخت با باندهای فساد

فلسفه مهربانی حاکم با مردم

فلسفه محبّت به مردم چیست؟ مهربانی با مردم از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ اگر واقعاً منطقِ نفع‌طلبیِ متعارفِ امروزِ دنیا باشد، خب هیچ وجهی ندارد؛ هیچ لزومی ندارد انسان محبّت کند مگر آن‌وقتی که مجبور باشد، آن وقتی که ناچار باشد، [مثلاً] مصلحتی، حکومتی، قدرتی متوقّف بر این باشد؛ وَالّا آن وقتی که نیازی نیست، خب چرا محبّت کنم؟ اینهایی که اخلاق را نِسبی می‌دانند و برای اخلاق ریشه‌های منطقی و فلسفی ثابتی قائل نیستند، خب به همین‌جا می‌رسند که چه دلیلی دارد! همچنان که همه شهوات را انسان می‌تواند مرتکب بشود فقط با این استدلال که خب خوشم می‌آید، دوست می‌دارم، چرا نکنم؛ با همین استدلال هم می‌تواند بگوید که خب من به مردم چرا محبّت کنم؟ این فلسفه‌محبّت به مردم چیست؟ فلسفه‌اش این است: «فَاِنَّهُم صِنفان»؛ چون این مردم دو نوعند؛ «اِمّا اَخٌ لَکَ فِی الدّینِ وَ اِمّا نَظیرٌ لَکَ فِی الخَلق»؛ هم دینداری اینها- که برادر دینی تو هستند- یک دلیلی است برای اینکه باید محبّت کنی، هم انسانیّت آنها. «نَظیرٌ لَکَ فِی الخَلق»، یعنی «انسان بودن» دلیل دیگری است. کسی که انسان است، نفْس انسان بودن، دلیل لزوم محبّت کردن به او است، مادامی‌که یک دلیل دیگری که جلویش را بگیرد و مانع از دخالت آن عامل محبّت باشد، به‌وجود نیاید؛ مثلاً جرمی انجام ندهد؛ مثل مؤمن. مؤمن هم همین‌جور است دیگر؛ مواسات با او، همراهی با او، کمک به او، محبّت به او لازم است، مادامی‌که یک جرمی انجام نداده که اگر چنانچه جرمی انجام داد، خب حدّ شرعی بر او جاری می‌شود بدون اینکه «وَلا تَأخُذکُم بِهِما رَأفَةٌ فی دینِ الله». در مورد انسان هم همین‌جور است، انسانیّت همین‌جور است؛ انسانها را برای انسان بودن بایستی انسان مورد تکریم و محبّت قرار بدهد؛ «نَظیرٌ لَکَ فِی الخَلق».

گذشت و عفو در برابر خطاهای مردم

حالا خطاهایشان چه؟ خب بالاخره انسانها خطاکارند. می‌گوید که این‌جور نباشد که با آنها بدون ترحّم، بدون مهربانی، با سنگدلی بخواهی برخورد کنی، ولو از آنها کوتاهی‌هایی هم سر بزند. خب، بایستی نگاه کرد، دید این کوتاهی‌ای که از این [فرد] سر زده، این خطایی که از او سر زده، در چه شرایطی بوده، چطور شده، چگونه می‌توان آن را به نحوی توجیه کرد که عظمت ظاهری و ابتدایی آن تخفیف پیدا کند؛ باید دنبال این بود؛ چرا؟ «یَفرُطُ مِنهُمُ الزَّلَل»؛ مردم لغزش می‌کنند، لغزشهایی دارند؛ آنها هم مثل خود تو. «وَ تَعرِضُ لَهُمُ العِلَل»؛ عواملی پیش می‌آید، مشکلاتی برایشان پیش می‌آید، یک کاری را که باید بکنند نمی‌کنند، یک کاری را که نباید بکنند می‌کنند؛ [این] خطا است. «وَ یُؤتی عَلی اَیدیهِم فِی العَمدِ وَ الخَطَأ»؛ هم در کارهایی که عمد است، هم در کارهایی که خطا است، چیزهایی جلوی دست آنها قرار می‌گیرد- گاهی هم عمداً یک حرکتی را انجام می‌دهند؛ نه اینکه خطایی در مقابل عمد مرتکب شده باشند؛ نه، گناهِ عمدی است امّا بالاخره ناشی از خطا است؛ ناشی از خطایی است که ذهن آنها، فکر آنها و اراده آنها انجام می‌دهد- خب، در یک چنین مواردی «فَاَعطِهِم مِن عَفوِکَ وَ صَفحِکَ مِثلِ الَّذی تُحِبُّ وَ تَرضی اَن یُعطِیَکَ الله مِن عَفوِهِ وَ صَفحِه»؛ همان‌طور که تو توقّع داری که خدای متعال با تو با مدارا و نرمش و عفو رفتار بکند، همین‌طور با آنهایی که خطاهایی دارند، گناهانی دارد، لغزشهایی دارند، با عفو و صفح رفتار کن.

گذشت کردن در عین رها نکردن متخلّف

پس مرادْ این است که اگر کسی قانون‌شکنی کرد، تخلّف کرد، ما قانون‌شکنی افراد را نادیده بگیریم؟ نه، این را نمی‌خواهد بگوید. اگر ملاحظه کرده باشید در قوانین مجازات یک حالت انعطافی دارد، [مثلاً می‌گوید] از فلان قدر تا فلان قدر. معنای این چیست؟ معنایش این است که این خطا، این گناه، احیاناً با یک علل مُشدِّد یا با یک علل مُخفِّف همراهند که مجازات نوسان پیدا می‌کند از این مقدار تا این مقدار؛ این معنایش این است که این خطایی که مرتکب شده، خطا است امّا یک جهتی در این خطا وجود دارد که قُبح این خطا را بیشتر می‌کند. مثلاً فرض کنید که برداشتن یک مالی که مال انسان نیست؛ این البتّه بلاشک یک خطایی است، هر کسی بکند این خطا را، خطا کرده امّا یک وقت هست که این مال را شما به دست یک آدمی سپرده‌اید که او را امین شمردید که دست دزدها نیفتد، و او خودش این مال را دزدی کرده؛ خب این، علّت مُشدِّدی است؛ این، خطا را، عیب را سنگین‌تر می‌کند، [امّا] یک‌وقت نه، یک عاملی است که این گناه را، این خطا را سبک می‌کند؛ مثلاً طرف گرسنه بوده. لذاست که شما می‌بینید در اوقات قحطی- مثلاً قحط به شکلهایی که آن زمانها متعارف بوده- حرمت مال افراد و حریم مال افراد می‌شکنند یعنی حاکم حکم می‌کند، می‌روند انبارها را باز می‌کنند، آذوقه عمومی را می‌آورند بین مردم تقسیم می‌کنند؛ البتّه پولش را- پول قیمت عادله را- به او می‌دهند یعنی مجّانی از او نمی‌گیرند- پول زمان قحطی را که ممکن است ده برابر باشد، نه، امّا همان پول قیمت عادله را به او می‌دهند- به او هم ظلم [نمی‌کنند]- «لا تَظلِمونَ وَلا تُظلَمون»؛ نه ظلم بکنید، نه کسی به شما ظلم بکند- امّا حریم خانه او، حریم انبار او، قفل او که اینها شرعاً معتبر است و یک مؤمن حق ندارد که به حریم دیگری تعرّض کند، این دیگر از بین می‌رود. ببینید، این نشان‌دهنده این است که این جرائم در احوال مختلف، در اوقات مختلف، وضع واحدی و حکم واحدی ندارند؛ این‌جوری است. بعضی از این قانون‌شکنی‌ها هست که قابل اغماض است یا خیلی کوچک است یا طرفْ فردی است که جاهل است یا شرایطی که در او وجود داشته، شرایطی بوده که انسان باید درک کند آن شرایط را؛ خب اینجا بایستی با اغماض برخورد کرد یعنی اگر می‌توان از مجازات او صرف‌نظر کرد، صرف‌نظر کرد و اگر نه، به حدّاقل اکتفا کرد؛ [امّا] یک‌وقت هست که نه، نقطه مقابلش است و علل مُشدِّدی وجود دارد؛ اینجا اصلاً نبایستی اغماض کرد.

نکته دوّم اینکه در اینجا صحبت، صحبت از عامّه مردم است؛ در آن بحث و فصلی که از همین [نامه] سال گذشته اینجا برای دوستان خواندم، حضرت راجع به خاصّه و عامّه، در این فرمان صحبت می‌کنند. ما یک خاصّه‌ای داریم، یک عامّه‌ای داریم؛ خاصّه یعنی گروه‌های خاص، مجموعه‌های خاص؛ لزومی ندارد که حتماً این مجموعه خاص، دولتی‌ها باشند؛ نه، گاهی یک حزب، یک گروه، یک باند، با اتّصال به همدیگر یک قدرتی شدند، یک قدرتی پیدا کردند. یک‌وقت شما در مقام خودتان، رعایت آنها را می‌کنید که آنها ازلحاظ کمیّت، یک‌هزارم مردم هم نیستند امّا مقتدرند؛ به‌خاطر اینکه باندند، به‌خاطر اینکه به‌هم‌بسته‌اند، به‌خاطر اینکه دستشان در دست هم است، از هم حمایت می‌کنند؛ یا صدایشان بلند است یا زبانشان دراز است. در آنجا که بحث عامّه و خاصّه بود، حضرت فرمودند که برای خاطر مصلحت خاصّه، مصلحت عامّه را نادیده نگیر؛ [مصالح خاصّه را] رها کن، مصلحت عامّه را مقدّم کن.

حاکم جامعه اسلامی باید بداند که تک‌تک افراد جامعه همانند خود او امکان خطا دارد، بنابراین نباید در برابر اشتباهات آنها با سنگدلی برخورد کند. در برخورد با خطای دیگران باید توجه کرد که در چه شرایطی این خطا رخ داده و متناسب با آن و البته با دید مدارا و نرمش(در برابر افرادی که سهوا دچار خطا شده‌اند) مقابله کرد.

حضرت‌امیرالمومنین علی (ع) در توصیه‌های خود اقتدار و عطوفت را کنار هم قرارداده‌اند. در فرمان آن حضرت به جناب مالک اشتر آمده است که در مورد جرائمی که به عمد و به صورت خشن رخ داده، هیچ اغماضی صورت نگیرد، چون عطوفت در این مورد به ضرر جامعه است.

تاریخ شفاهی انقلاب به روایت مرحوم حاج حبیب‌الله عسکراولادی

شب‌شکنان

بخش ۳۸

روایتی از نحوه دستگیری شهدای مؤتلفه اسلامی

هنگام دستگیری بخارایی ۵ تومان پول، یک پاکت نامه، یک اسلحه و یک کارت تحصیلی همراهش بود، ولی حتی فکر نشده بود که آن کارت تواقعی نباشد! با استفاده از این کارت توانستند دوستان، خانه و نشانی منازل دوستانش را پیدا کنند.

از طرف دیگر صادق امانی با بقیه تیم قرار می‌گذارد که هرکس نجات پیدا کرد، به مسجد مهدیه میدان شوش بیاید. بعد از مراجعه نیک‌نژاد و صفار هرندی، صادق امانی سلاح‌ها را از آنها تحویل گرفته و می‌گوید که به خانه‌های خود نروید و مخفی شوید، اما نیک‌نژاد و صفار هرندی برخلاف این دستور به خانه رفته و دستگیر می‌شوند.

رژیم برای دستگیری این افراد از شیوه جدیدی استفاده می‌کند، بدین صورت که در خانه این شهدا موضع می‌گیرد و هیچ اثری از خود در خیابان و محله به جا نمی‌گذارد. شهید صفار هرندی بعد از اینکه به مغازه برادرش مرحوم حاج علی اصغر اقای هرندی می‌رود، روانه خانه بخارایی می‌شود. اما قبل از آن دو نفر را برای سرکشی می‌فرستد که هر دو توسط ساواک دستگیر می‌شوند. با این روش در فاصله‌ای کمتر از ۲۴ ساعت شهیدان صفار هرندی و نیک‌نژاد دستگیر می‌شوند.

از سوی دیگر با شناسایی خانه شهید بخارایی و شکنجه خانواده وی مشخص می‌شود که آنها شب‌های گذشته در این خانه جلسه‌ای داشتند که علاوه‌بر نیک‌نژاد و صفار هرندی، یک حاجی‌بازاری هم بوده است. با بررسی بیشتر مشخص می‌شود که آن حاجی‌بازای صادق امانی است. به منزل صادق امانی رفتند ولی در آنجا نبود و به منزل خواهر مرحوم لاجوردی رفته بود.

بازداشت‌ها ناشی از اشتباهات بود نه اعترافات

علی‌رغم تهدید و شکنجه شهیدان صفارهرندی و نیک نژاد، آنها هیچ اعترافی نکردند و ما بعدا متوجه شدیم که این اشتباه افراد بوده که زمینه دستگیری‌ها را فراهم کرده است و نه اعتراف زیر شکنجه. پس از اینکه شهید امانی چند روز در منزل شهید لاجوردی بود، برنامه‌ریزی می‌کند که به منزل من بیاید. همسرم مریض بود و به همین دلیل ما در منزل مادربزرگ همسرم اقامت داشتیم.

بعد از چند روز و به علت بارش برف زیاد خواستم به منزل خودم سرکشی کنم. بعد ز ساعاتی در منزل زده شد و هنگامی که در را باز کردم دیدم که شهید امانی و حاج‌هاشم امانی هستند. شهید صادق امانی گفت: «من می‌دانم نباید این جا بیایم، اما امشب را می‌شود ما اینجا باشیم؟ ما جایی نداریم». من آنجا یک‌دفعه به ذهنم آمد که حضرت مسلم آن شب در کوفه به طوعه فرمود می‌شود یک امشب را من این جا باشم؟ ناگهان همه منع‌هایی که داشتم کنار رفت؛ چون من از جانب امام منع داشتم که در مبارزات سخت شرکت کنم، چون هم نماینده امام در جمع‌آوری وجوهات در بازار بودم و هم رابط بین مراجع و شورای مرکزی موتلفه بودم و می‌بایست که وظایف سیاسی‌ام را انجام می‌دادم، اما این حالت صادق امانی...!

کسی تا صادق امانی را نشناسد، نمی‌تواند فرض کند که این حرف او در شنونده چه اثری می‌گذاشت. گفتم: بفرمایید، منتها کسی در منزل نیست و پذیرایی در حدی است که من بتوانم. به فاصله کمی شهید عراقی هم وارد شد و تقریبا تا سحر بحث‌هایی داشتیم.

امداد غیبی که مانع لو رفتن ما شد

جریانی هم اتفاق افتاد که مدد خداوند را نشان می‌داد. من نزدیک سحر به این آقایان گفتم بروم به همسایه منزل امانی‌ها زنگ بزنم و بپرسم که آیا او از منزل امانی‌ها خبری دارد که چه وضعی اتفاق افتاده است؟ رفتم و به آقای حبیب‌الله شفیق زنگ زدم. آقای شفیق در کوچه غریبان همسایه دیوار به دیوار امانی‌ها بود. به وی گفتم: خبر داری که در منزل امانی‌ها چه خبر است؟ گفت: نه. گفتم که اگر اطلاعی پیدا کنید بد نیست. آقای شفیق گیراگیر سحری خوردن بود که بعد از سحری رفت و در زد. غافل از اینکه بیرون هیچ خبری نیست، همه‌اش در داخل خانه است! ماموران آقای شفیق را گرفتند.

فردی به نام ختایی و چند نفر از سرکرده‌های تهران آنجا بودند و بعد از دستگیری آقای شفیق شروع کردن به فحاشی و کتک زدن وی که برای چه آمده بودی؟ گفته بود: مرغ ما روی پشت‌بام آمده و من به اینجا آمدم تا نردبان بگیرم. ختایی گفت نردبان را بردارید و بروید. نردبان را برداشتند و در را باز کردند.

حالا این‌ها به حیاط خانه آقای شفیق آمده‌اند و من گوشی دستم است و هیچ نمی‌دانم چه اتفاقی افتاده است. در این مدت نردبان را می‌گذارند و به پشت‌بام می‌روند. آقای شفیق می‌گوید مرغ آنجاست و ماموران هم برای بررسی صحت حرف‌هایش می‌روند. می‌گویند جای پای مرغ اینجا هست اما مرغی وجود ندارد. ختایی فحش می‌دهد و می‌گوید بیایید پایین، ما مرغ نمی‌خواهیم پیدا کنیم و بعد دستور می‌دهد که اتاق‌های خانه آقای شفیق را بازرسی کنند.

همین که به اتاق‌ها می‌ریزند، من احساس کردم صدای رفت‌وآمد می‌آید و تلفن قطع شد. آقای شفیق اولین کاری که انجام می‌دهد این است که می‌آید و تلفن را قطع می‌کند. من با شتاب آمدم و گفتم که نمی‌دانم چه بلایی سر شفیق آوردیم و خلاصه به نظرم شفیق گرفتار شد.

آقای شفیق چندبار دستگیر شده بود و یکی از شکنجه شده‌های پر تحمل بود. خودش و خانواده‌اش از رازدارهای خیلی ارزشمند بودند. آنها از آقای شفیق چیزی به دست نمی‌آورند و پس از چند ساعت وقتی می‌بینند که هیچ ارتباطی بین وی و شهید امانی نیست، او را آزاد می‌کنند. برادران امانی و شهید عراقی تا شب در منزل ما ماندند تا شب بتوانیم جایی برای‌شان پیدا کنیم. شب در لباس مبدل آمدند و حاج صادق آقا را به منزل حاج‌آقا مصطفی حائری‌زاده بردند. ایشان چند شبانه‌روز در منزل وی مخفی شد.

شهیدان امانی و عراقی چگونه دستگیر شدند؟

در این مدت تقریبا همه جا را بازرسی کردند ولی شهید امانی را پیدا نکرده بودند و از اینکه ممکن است من یا شهید عراقی در این جریان دست داشته باشیم، هیچ اطلاعی نداشتند.

در این میان یکی از بستگان شهید امانی را دستگیر کرده و تهدید می‌کنند که اگر با ما همکاری نکنی همسرت را مورد آزار و اذیت قرار خواهیم داد. وی ابتدا همکاری نمی‌کند ولی بعد از شنیدن فریادهای همسرش می‌گوید: اگر صادق امانی را می‌خواهید، مهدی عراقی را بگیرید و اگر چمدان و اسلحه را می‌خواهید، عسگراولادی را بگیرید.

براساس این اعتراف، حدود ساعت ده شب روز ۱۱بهمن بود که وقتی وارد خانه شدم، ماموران دستگیرم کردند و گفتند ما می‌خواهیم اتاق‌ها را بگردیم. گفتم به این اتاق که هرگز نمی‌توانید بروید، مگر پا روی جنازه من بگذارید. گفتند: چرا؟ گفتم خانم من مریض است، اگر ازخواب بیدار شود، دیگر نمی‌توان او را حفظ کرد.

در حین انتقال من چون فرمانده عملیات کنار من نشسته بود، شنیدم که با بی‌سیم اطلاع می‌دادند مهدی عراقی نزدیک منزلش دارد به خیابان می‌آید و بعد گفتند نزدیک خانه شده است. فرمانده عملیات دستور داد که قبل از رسیدن به خانه دستگیرش کنید و این‌چنین شهید عراقی را دستگیر کردند.

شهید عراقی را به دلیل اینکه ایشان مسئولیت شهید صادق امانی را داشته است، گفتند باید بگویی که صادق امانی کجاست. پس از اینکه ایشان متوجه می‌شود همه سرنخ‌هایش لو رفته و من هم دستگیر شده‌ام، نام واسطه را می‌گوید و این‌چنین شهید صادق امانی هم دستگیر می‌شود.

ساواک یکی از بستگان شهید امانی را دستگیر کرده و تهدید می‌کند که اگر با ما همکاری نکنی همسرت را مورد آزار و اذیت قرار خواهیم داد. وی ابتدا همکاری نمی‌کند ولی بعد از شنیدن فریادهای همسرش می‌گوید: اگر صادق امانی را می‌خواهید، مهدی عراقی را بگیرید و اگر چمدان و اسلحه را می‌خواهید، عسگراولادی را بگیرید.

« در منزل زده شد، در را باز کردم. دیدم حاج صادق امانی و حاج هاشم امانی هستند. شهید امانی گفت: می‌دانم نباید این جا بیایم اما یک امشب را می‌شود این‌جا باشیم؟ ما جایی نداریم. من یک‌دفعه حضرت مسلم(ع) به ذهنم آمد.»

نیازمندی‌های کیهان

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز
۳۳۱۱۹۲۳۶ ۳۳۹۴۲۰۰۰ ۳۳۱۱۲۱۹۳
۳۳۹۱۱۵۶۶ ۳۳۹۱۰۸۶۲ ۳۳۱۱۰۲۱۰
۳۳۱۱۸۰۵۷ ۳۳۱۱۳۵۱۹ ۳۳۱۱۲۲۹۱
۳۳۱۱۰۲۰۲ ۳۳۹۱۱۵۶۸ ۳۳۹۰۲۵۹۹

جنوب
شهری ۵۵۹۰۰۸۹۷ – ۵۵۹۵۳۶۳۶
سعدی ۳۳۹۶۲۲۳۳ – ۳۳۹۶۲۲۱۱
شرق استان تهران ۳۶۲۵۷۰۷۴
اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳
چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال
قلهک ۲۲۶۰۳۶۳۵
شمیران ۲۲۷۱۲۹۷۶
مطهری ۸۸۸۰۱۵۵۲ – ۸۸۹۰۰۸۶۷
شهرآرا ۱۱-۶۶۵۹۳۰۱۰ -۶۶۵۹۲۲۶۶

شرق – غرب
آزادی ۹-۶۶۰۶۴۶۴۷ – ۶۶۰۰۷۴۷۹
شهریار ۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹ – ۶۵۲۲۲۹۳۳
کرج ۳۲۲۲۴۴۱۱ – ۳۲۲۲۶۰۱۳-۰۲۶
تهران نو ۷۷۹۳۶۸۸۸ – ۷۷۹۰۹۹۳۹
دماوند ۷۶۳۲۱۹۳۸

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک

رباط کریم– بلوار امام خمینی
جنب مخابرات جنب بستنی نعمت،
۲ قطعه زمین هر کدام ۵۷۰ متر، ۳۰ متر بر جاده اصلی سند ۶ دانگ با موقعیت‌های عالی
فروش فوری
ساعت تماس: ۱۶ الی ۲۲
۶۲۸۱۴۹۲–۰۹۱۲

برج تجاری آرتمیس فرمانیه
۳۸ متر با کلیه امکانات
سرمایه‌گذاری و آینده عالی
مالک ۰۹۱۲۱۳۹۱۵۷۵

پردیس فاز ۲
پاساژ تجاری اداری نیایش
«۳ واحد تجاری»
۰۹۱۹۲۹۷۴۸۱۷

جاده قدیم قم، حسن آباد
«سرمایه‌گذاری مطمئن»
زمین در قطعات ۱۰۰۰ متری
هر قطعه ۱۰۰۰ متری
۸۵ میلیون
«با سند قطعی تک‌برگ تهران»
۵۶۲۲۴۴۳۵
۰۹۱۲۳۹۶۸۲۶۹

بنایی و خدمات ساختمانی

آسانسور بالابر بام
فروش– نصب– بازسازی
تعمیر انواع آسانسور
۷۷۲۹۹۲۶۶–۰۹۱۲۳۰۰۵۶۶۹

حمل و نقل اثاثیه

حمل و نقل استقلال
قبول حمل کالا به تمام نقاط کشور
اصفهان مشهدمقدس شیراز تبریز
اردبیل نوشهر
مجهز به خاور مسقف پتودار– تریلی
کفی و بغل‌دار
۵۵۱۸۵۱۳۰– ۵۵۲۰۵۱۰۸
محمدرضا عامری ۰۹۱۹۵۱۲۰۵۵۸

اسامی ۵ نفر از فرزندان تحت پوشش شیرخوارگاه حضرت رقیه (س)

نام مستعار کودک: متانت

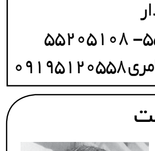

تاریخ تولد: ۹۸/۱۱/۲۵
تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۳۰
نام والدین: سحر عقابی سفیدان
علت پذیرش: اعتیاد مادر
ارجاع دهنده: بیمارستان بهارلو

نام مستعار کودک: سینا

تاریخ تولد: ۹۸/۲/۲۲
تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۵
نام والدین: فاطمه رضایی
علت پذیرش: مغایرت اوراق هویتی
ارجاع دهنده: بیمارستان فیروزآبادی

نام مستعار کودک: عرفانه

تاریخ تولد: ۹۸/۱۱/۱۱
تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۷
نام والدین: مریم ابراهیمی
علت پذیرش: رها شدگی
ارجاع دهنده: بیمارستان اکبرآبادی

نام مستعار کودک: عرفان

تاریخ تولد: ۹۸/۱۱/۲۰
تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۷
نام والدین: مهسا جعفری
علت پذیرش: رهاشدگی
ارجاع دهنده: بیمارستان اکبرآبادی

نام مستعار کودک: مائده مصلح

تاریخ تولد: ۱۳۹۶
تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۷
نام والدین: هزاد مصلح و فاطمه فرجی
علت پذیرش: بد سرپرس
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی دولت‌آباد

متفرقه

فروش اقساطی
گوشی موبایل و سیم‌کارت
۰۹۱۲۴۳۴۰۰۸۳

آقای محسن شاه‌محمدی شغل آزاد مجهول‌المکان همسر شرعی و قانونی شما خانم مریم شاه‌محمدی با در دست داشتن دادنامه شماره ۹۸۰۱۷۷۷ – ۹۸/۹/۶ صادره از شعبه ۲۸۱ دادگاه خانواده شهید باهنر تهران قصد ثبت طلاق خود را دارد لذا خواهشمند است ظرف یک هفته جهت امضای سند طلاق به آدرس شهری– خیابان فرمانداری– مدرس ۴ پلاک ۲۲ دفتر طلاق ۲ مراجعه در غیر این صورت برابر مقررات اقدام خواهد شد.
سردفتر طلاق ۲ شهری

قالیشویی مبل شویی

دفاتر نمایندگی کیهان همه روزه تلفنی آگهی میپذیرد

قالیشویی خانه به خانه تحویل به صورت لول
*** ۴۸ ساعته ***
نوبنیاد– پاسداران ۲۶۱۰۱۰۳۳
هروی– دولت ۲۲۹۷۷۱۰۵
شریعتی– میرداماد ۲۶۴۰۶۳۵۵
حکیمیه– تهرانپارس ۷۷۰۰۳۱۱۳

قالیشویی و مبل شویی
بدون مواد اسیدی
تهرانیان (لول + کاور)
عضو رسمی اتحادیه (کد۹۶)
با نرخ اتحادیه و اصول مذهبی
نیاوران ۲۲۸۲۰۳۶۴
قیطریه ۲۲۶۸۷۷۹۸
پارک وی ۲۲۰۲۵۶۲۹
پاسداران ۲۲۵۷۹۳۲۱
میرداماد ۲۲۹۲۶۳۰۶
سهروردی ۸۸۴۴۳۱۶۵

قالیشویی فارسی سرویس سراسر تهران
یک قالیشویی متفاوت یک دنیا خدمات
غرب **۴۴۸۴۱۹۷۵** شمال **۲۲۶۴۶۴۷۲**
شرق **۷۷۳۳۶۰۰۰** جنوب **۳۳۳۱۴۵۱۷**

شرکت توان پیمایش امن
جا به جایی تخصصی دستگاه‌های مین فرم کولینگ هواساز، UPS چاپگر با ابزار و کامیون جک‌دار مجهز به انواع جرثقیل– شبانه‌روزی
«دفتر» ۵۵۸۵۳۱۸۳
۰۹۱۲۶۰۸۰۱۳۹

امداد گستر آپادانا
نگهداری از سالمند، بیمار،کودک
و کلیه امور نگهداری و
فیزیوتراپ در منزل
و همراه در بیمارستان
با تخفیف ویژه جهت
فرهنگیان، جانبازان و بازنشستگان
۲۲۳۱۵۱۳۱_۲۲۵۰۴۲۳۸

پخش انواع کولر گازی (اسپیلت)
لباسشویی، ظرفشویی با گارانتی
به قیمت بانه ۵۵۳۲۳۵۲۹
احمدی ۰۹۱۲۷۶۴۶۹۸۰

فقط نقدی
بهترین خریدار و فروشنده مواد غذایی
انواع برنج ایرانی و خارجی
۸۸۴۸۵۶۷۲ – ۰۹۱۲۱۱۳۹۶۹۸

*** صنایع برودتی انجماد ***
ساخت سردخانه‌های ثابت و متحرک
و یخچالهای صنعتی و روباز
۳۳۶۸۴۸۳۷ – ۰۹۱۲۵۳۸۷۰۴۴

دفاتر نمایندگی کیهان همه روزه تلفنی آگهی میپذیرد

گمشده پیدا شده

برگ سبز و کارت خودرو تیبا صندوق‌دار رنگ سفید مدل ۱۳۹۸ به شماره شهربانی ۲۵۴ ن ۴۴ ایران ۲۰ و شماره موتور M15/8874851 و شماره شاسی NAS811100K5876592 به نام ایراندخت حیدری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند ۳ برگ موتورسیکلت به شماره شهربانی ۴۹۱۳۴ ایران ۱۳۲ و شماره شاسی N2G***150J9515989 و شماره موتور *C1B62140130* به نام محمود اصغری سقرجی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سند موتورسیکلت تیپ باجاج 135CC به‌رنگ قرمز مدل ۱۳۹۰ به شماره موتور JWMBSA77487 و شماره تنه NEO***135Z9024415 به نام محمد غنیمتی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

کارت فعالیت ناوگان عمومی به شماره ۴۲۲۴۲۶۵ کامیون کشنده ولوو اف ۱۲ به شماره انتظامی ۵۲۸ ع ۲۷ ایران ۷۳ مدل ۱۳۷۲ موتور ۲۰۰۳۹۴ شاسی ۸۱۰۳۸۳ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو دنا مدل ۱۳۹۴ رنگ سفید به شماره شهربانی ۷۵۷ د ۱۹ ایران ۹۹ و شماره موتور 147H0136667 و شماره شاسی NAAW01HE8FE026317 به نام پیمانه دهقان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودروی سواری پراید به شماره انتظامی ۵۸۸ د ۱۶ ایران ۸۷ با شماره موتور ۴۱۶۲۲۹۶ و شماره شاسی S3412290931490 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اینجانب جلال شعبانی‌نژاد مالک سواری پژو ۴۰۵ جی‌ال‌آی به شماره انتظامی ۱۴۲ ب ۸۴ ایران ۶۳ موتور ۱۲۴۸۴۱۶۰۰۶۳ شاسی ۱۶۲۲۴۰۲۰ به علت فقدان سند کمپانی و برگ سبز تقاضای رونوشت المثنی نموده است چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودرو مذکور دارد ظرف مدت ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران‌خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط اقدام خواهد شد. مدت اعتبار این آگهی یک سال است.

برگ سبز خودرو پراید ۱۳۱ مدل ۱۳۹۸ رنگ نوک‌مدادی به شماره شهربانی ۶۴۱ س ۸۶ ایران ۳۳ به شماره موتور M13/6352081 و شماره شاسی NAS411100K1157292 به نام پروانه پهلوانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شناسنامه مالکیت(برگ سبز) خودرو سواری کار پاژن مدل ۱۳۷۴ رنگ سفید به شماره انتظامی ۱۸۳ ل ۳۵ ایران ۹۸ شماره موتور ۰۴۱۲۳۰ شماره شاسی M2E02823 به نام میثم اسماعیلی‌راد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اینجانب جهانگیر زارع مالک وانت مزدا بی ۲۰۰۰ آی به شماره انتظامی ۲۵۶ و ۳۳ ایران ۷۳ موتور FE122122 شاسی NAGCPX2PC18D20371 به علت فقدان سند کمپانی و برگ سبز تقاضای رونوشت المثنی نموده است چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودرو مذکور دارد ظرف ده روز از تاریخ درج آگهی با در دست داشتن مدارک کافی به اداره فروش گروه بهمن واقع در تهران مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط اقدام خواهد شد. مدت اعتبار این آگهی یک سال است.

برگ سبز خودرو پراید ۱۳۱ مدل ۱۳۹۸ رنگ سفید به شماره شهربانی ۹۹۳ ق ۵۹ ایران ۶۶ و شماره موتور M13/6406771 و شماره شاسی NAS411100K1169252 به نام مینا خطیر مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

چون خانم شیرین کفشی مالک خودرو سواری پژو ۴۰۵ GTXI مدل ۱۳۹۰ به رنگ خاکستری متالیک به شماره انتظامی ۸۴۸ ب ۴۳ ایران ۴۱ و شماره شاسی NAAM01CA2CR568096 و شماره موتور ۱۲۴۹۰۲۰۹۹۸۴ به علت فقدان سند کمپانی و شناسنامه مالکیت (برگ سبز) تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران‌خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

برگ سبز و سند سواری پراید مدل ۱۳۸۳ رنگ سفید شماره موتور ۰۰۷۰۸۷۶۸ شاسی S1412283238812 پلاک ۶۴– ۹۹۲ د ۴۵ به نام جواد زارع‌مهرجردی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی (نوبت دوم)
مدرک کارشناسی فارغ‌التحصیلی اینجانب سعید وثوقی فرزند همایون به شماره شناسنامه ۲۳۵۲ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته مدیریت بانکداری صادره از واحد دانشگاهی تهران جنوب به شماره ۲۵/۲/۱۷۴ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب به نشانی تهران– خیابان کریم‌خان‌زند– خیابان ایرانشهر شمالی– نبش آذرشهر پلاک ۲۰۹ و یا کدپستی ۱۵۸۴۷۱۵۴۱۴ ارسال نماید.

کارت خودرو و بیمه‌نامه نوین پژو ۲۰۶ به شماره شهربانی ۱۸ ایران ۳۶۹ق ۱۹ به شماره موتور 174B0049310 و شماره شاسی NAAP41FE3KJ362471

کارت خودرو و بیمه‌نامه تجارت پراید به شماره شهربانی ۱۸ ایران ۲۵۴ ص ۷۹ به شماره موتور ۴۰۸۱۲۵۲ و شماره شاسی S1412290756937

مدرک شناسایی شامل کارت پایان خدمت کارت شناسایی کارمندی بهزیستی کارت منجی غریق استخر ۳ عدد کارت غواصی کلیه مدارک به نام محمدابراهیم صدری مفقود گردیده همگی از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت ۶ دانگ مغازه به شماره ملک ۱۰۷۴۴– ۱۰۷۴۳/ ۲۳۹۸ب و شماره ثبت ۱۵۲۹۹۱– ۱۵۲۹۹۲ به نام مرحوم ذبیح‌اله فارسیجانی به آدرس: خزانه قلعه‌مرغی– ۲۰ متری ابوذر– میدان مقدم– خیابان شهسوار حقیقی جنوبی پلاک $\frac{126}{5}$ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی (نوبت سوم)
مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب رضا آزادی فرزند نادر به شماره شناسنامه ۳۲۴۱۲۲۰۳۸۹ صادره از کرمانشاه در مقطع کاردانی صادره از دانشکده فنی و حرفه‌ای سما کرمانشاه با شماره ۱۶۵۹۸۲۳ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشکده فنی و حرفه‌ای سما کرمانشاه به نشانی کرمانشاه الهیه شهرک شهید محرابی، بلوار سما، دانشکده فنی و حرفه‌ای سما ارسال نماید.

سند مالکیت (برگ سبز) سواری سیستم پژو 405GLX-XV7 به شماره انتظامی ۵۸ ۳۹۸د۶۳ ایران مدل ۱۳۹۶ شماره موتور 124K0987714 شماره شاسی: NAAM01CE9HK571347 به نام فاطمه ابراهیمی با شماره ملی ۳۵۶۹۴۵۸۰۱۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی ابلاغ

متهم عباس سلیمانی فرزند علی با آخرین آدرس اهواز کیلومتر ۲۱ جاده خرمشهر شهرک شیخ‌تیر به اتهام سرقت موضوع شکایت سپهدار آتشکار در شعبه سوم بازپرسی دادسرای اندیمشک می‌تواند ۳۰ روز پس از نشر آگاهی در این شعبه جهت ارایه دفاعیات خود حضور یابد در غیر اینصورت مطابق قوانین تحقیقات ادامه خواهد یافت و منجر به تصمیم قانونی می‌شود.

مدیر شعبه ۳ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب
شهرستان اندیمشک– رسول محسنی

برگ اجرائیه

مشخصات محکوم‌له: مهدی محتشمی نام پدر: علی‌اصغر اقامتگاه: عسلویه منطقه ویژه پتروشیمی کاویان
تلفن همراه: ۰۹۱۱۳۵۱۱۲۴۰
مشخصات محکوم‌علیه: احمد بابایی شهرانی نام پدر: محمد اقامتگاه: مجهول‌المکان
محکوم‌به: طبق دادنامه ۹۸/۱۱۱۸ مورخ ۹۸/۱۰/۱۰ محکوم‌علیه محکوم است به پرداخت مبلغ ۶۲/۵۵۰/۰۰۰ ریال معادل شش میلیون و دویست و پنجاه هزار تومان به انضمام مبلغ ۱/۳۱۵/۰۰۰ ریال هزینه دادرسی. تاخیر و تادیه و کلیه خسارات قانونی از تقدیم دادخواست مورخ ۹۸/۵/۱۴ در حق خواهان.

شورای حل اختلاف شهر نخل تقی

آگهی تغییرات شرکت آلیاژ و ریخته‌گری فن‌آور ذوب گلپایگان سهامی خاص به شماره ثبت ۴۸۶ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۰۷۳۵۶۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محل شرکت در واحد ثبتی اصفهان به آدرس استان اصفهان، شهرستان گلپایگان، بخش مرکزی، دهستان نیوان، آبادی مجتمع صنعتی گروه سایپا، محله ندارد، خیابان ارغوان، بن‌بست «سوم»، پلاک ۱۵، طبقه همکف کدپستی ۸۷۸۷۱۴۴۳۸۱ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری گلپایگان
شناسه آگهی: (۷۹۳۳۶۱)

فقدان پروانه بهره‌برداری

پروانه بهره‌برداری شرکت برسیان دارو اهواز (سهامی خاص) به شماره ۱۴۵۷۶–۰۶ به تاریخ بهره‌برداری ۸۶/۷/۴ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی تغییرات شرکت خاور پرس شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۴۰۱۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۲۸۰۴۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضای هیئت مدیره عبارتند از آقای علی‌اکبر جابر انصاری (رئیس هیئت مدیره) به شماره ملی ۰۰۳۰۰۷۶۳۵۸ آقای محمود رقابی (مدیرعامل و عضو هیئت مدیره) به شماره ملی ۰۰۴۲۰۳۲۸۴۹ آقای محمدعلی رقابی (قائم مقام مدیرعامل و عضو هیئت مدیره) به شماره ملی ۰۰۵۴۱۰۷۰۷۵ برای مدت دو سال انتخاب شدند موسسه حسابرسی آریان محاسب پویا با شناسه ملی ۱۰۹۸۰۰۰۲۸۶۹ به سمت بازرس اصلی و آقای فضل‌الله مومیوند با شماره ملی ۳۹۶۱۴۸۴۴۷۳ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک‌سال مالی منتهی به ۹۷/۱۲/۲۹ انتخاب شدند. روزنامه کثیرالانتشار کیهان جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد پس از قرائت گزارش بازرس قانونی ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به سال ۹۶/۱۲/۲۹ مورد تصویب قرار گرفت.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری کرج
شناسه آگهی: (۷۹۱۱۸۷)

آگهی ابلاغ

خانم فاطمه اغنیاءنژاد مهرجردی فرزند محمدرضا به شناسنامه ۲۲۳ صادره از میبد عیال مرحوم آقای حاج‌عباس اغنیاءنژاد مهرجردی بدینوسیله به اطلاع می‌رساند در اجرای تبصره یک ماده ۱۰۵ آئین‌نامه اصلاحی قانون ثبت بهای یک هشتم اعیانی دودانگ از شش دانگ پلاک ۵۰۴۰ واقع در بخش ۲۱ یزد که متعلق به شماست طبق نظریه کارشناسی دادگستری میبد به میزان ۳۰۰/۰۰۰ ریال رایج جمهوری اسلامی ایران تعیین گردیده است و به حساب سپرده این اداره از طرف مالک فعلی واریز گردیده است. بنابراین جهت وصول مبلغ فوق به این اداره مراجعه و چنانچه مدعی تضییع حق خویش نسبت به مبلغ یاد شده می‌باشد ظرف مدت یک ماه پس از انتشار آگهی می‌توانید به دادگاه صالحه مراجعه و گواهی طرح دعوی خویش را به این اداره ارائه نمایید در صورت فوت خانم فاطمه اغنیاءنژاد مهرجردی وراث وی می‌توانند با در دست داشتن مدارک قانونی و گواهی حصر وراثت جهت دریافت مبلغ نسبت به سهم‌الارث خود به این اداره مراجعه و یا طرح دعوی نمایند.

رئیس ثبت شهرستان میبد

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۸۶۰۳۱۷۰۰۷۰۰۰۴۱۶۸ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان بهبهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای علیرضا خندانی فرزند مرتضی بشماره شناسنامه ۳۳۱۳۸ و شماره ملی ۱۸۶۰۳۲۷۳۷۰ صادره از بهبهان در ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۶۸/۷۵ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۵۲۰ اصلی واقع در بخش یک بهبهان خریداری از مالک رسمی محمد و مجید و فضل‌اله و نجف و حاجی و عزیز شهرتین عبداله‌زاده ورثه علیشاه احراز گردیده است. لذا مشخصات متقاضی مورد تقاضا به‌منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند، می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید عرضحال ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۸/۱۱/۳۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۸/۱۲/۱۴

کاظمی– رئیس ثبت بهبهان

آگهی موضوع ماده۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۸۶۰۳۱۷۰۰۷۰۰۰۴۴۳۴ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان بهبهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی خانم الهام السادات طباطبایی‌نژاد فرزند یدالله به شماره شناسنامه ۲۳۳ و شماره ملی ۵۲۷۹۶۵۰۰۴۸ صادره از امیدیه در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۲۲۸/۶۵ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۰۸۰ اصلی واقع در بخش یک بهبهان خریداری از مالک رسمی نجف خاجی احدی از ورثه شیرعلی احراز گردیده است. لذا مشخصات متقاضی مورد تقاضا به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند، می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید عرضحال ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۸/۱۱/۳۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۸/۱۲/۱۴

کاظمی– رئیس ثبت بهبهان

آگهی موضوع ماده۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۸۶۰۳۱۷۰۰۷۰۰۰۴۱۵۹ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان بهبهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای دانیال خاکساریان فرزند علی به شماره شناسنامه و شماره ملی ۱۸۵۰۲۶۰۷۵۳ صادره از بهبهان در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۱۰/۹۵ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۶۱۸ اصلی واقع در بخش یک بهبهان خریداری از مالک رسمی محمد و احمد و علی و زهره و شوکت و فریبا و مهین و حمیرا شهرتین خاکساریان ورثه عیسی احراز گردیده است. لذا مشخصات متقاضی مورد تقاضا به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند، می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید عرضحال ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۸/۱۱/۳۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۸/۱۲/۱۴

کاظمی– رئیس ثبت بهبهان